

تورینگن

تورینگن از منظر تاریخی از چندین ویژگی خاص برخوردار است. این ایالت به مثابه قلب فرهنگ آلمان، مرکز اصلاح‌گرایی، خانه باخ، و سرزمین دوره ادبیات کلاسیک شناخته شده است.

این سرزمین که در اطراف کاخ وارتبورگ و شهر وایمار اعمار شده است، تا قرن بیستم غیر متحد باقی مانده بود؛ ولی برای اقدامات فرازجویانه و استان‌گرایی آلمان، یک سر نمونه قابل ملاحظه گردید.

این امر، تاریخ نگاران قرن نوزدهم را برانگیخت تا بر انگیزه‌هایی که از این منطقه برای تشکیل یک ملت واحد ناشی شده بود، ارج بگذارند؛ اما همزمان چندپارچگی دگرگونه‌اش را سخت انتقاد کنند. طوریکه هاینریش فون ترایتسکه نوشت: "فرهنگ ما مدیون تورینگن است ولی دولت ما نه". هرچند این داوری پس از آنکه تازه اندیشی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این ایالت برملا شد، تغیر خورد.

با در نظر داشت روند یکپارچه‌سازی گام به گامی که بین ۱۹۲۰ و ۱۹۹۰ صورت گرفت، تورینگن به پیشرفت‌های سازنده دست یافت. از آن جمله؛ کاخ‌های شکوهمند، پارک‌ها، موزه‌ها، کتابخانه‌ها، و تیاتر‌های بیشماری در یک تراکم بی‌نظیر بر فراز مساکن ساخته شد و این منطقه را به خانه نویسندگان و متفکرین مبدل ساخت. اگرچه با وجود نگرش‌های مختلف، تورینگن به عنوان یک مثل ماندگار برای چند پارچگی که یکی از ویژه‌گی‌های آلمان تلقی شده، باقی مانده است.

امپراتوری قرون وسطایی به گونه تدریجی به سود قدرت‌های منطقه تا رسیدن به استقلال دوفاکتو پس از ۳۰ سال جنگ (۱۶۱۸-۴۸)، تضعیف شد. این رویداد، ملکیت‌های متعددی را در جاهایی کوچکتر برای شهزاده‌گان نسبتاً حریص به ویژه در جنوب غرب و مرکز آلمان ارزانی داشت. در تورینگن جدایی‌گرایی ارضی خیلی برجسته بود. گهگاه ۳۰ ایالت وجود داشت؛ چیزیکه در مناطق دیگر کم‌نظیر بود. با این همه، دو نکته تاریخی ویژه به رغم یک قرن چند پارچگی، تورینگن را عمیقاً در حافظه همگانی ثابت نگهداشت: نخست، رژیم سلطنتی تورینگن در اوایل قرون وسطی؛ دوم، سیستم زمینداری (لاندگراویت) دودمان لودوویگینی.

از نظام سلطنتی تا سیستم زمینداری (لاندگراویت) در تورینگن

قبیله تورینگن طی اوایل مهاجرت، از قبایل گرمانیک هرموندورین، انگالی، و وارنی پدیدار شد و برای اولین بار در سال ۳۸۰ نویسنده رومی بنام وگیتیوس در مورد آن سخن گفت. در قرن پنجم، تورینگن‌ها توانستند برای نخستین بار نظام سلطنتی قدرتمندی را تاسیس نمایند که از پهنای یک محله مسکونی در

منطقه آلتمارکت و دریای ایلبی تا دریا‌های ویرا و دوناو، وسعت داشت. برای نشان دادن قدرت در اروپای گرمائیک کهن، نظام سلطنتی آنها با رژیم شاهی اوتروگوتتئودورک بزرگ متحد شد. روابط خانوادگی در سال ۵۱۰ باعث عروسی میان خواهرزاده تیودوریک به نام امالابُرگا، و شاه تورینگن، هیرمینافرید گردید. ولی بعد از مرگ تیودورک در سال ۵۲۶؛ تورینگنی ها در یک جنگ شدید در دریای اونستروت، توسط نیروهای نظامی فرانک و زاکزنی ها شکست خوردند و در سال ۵۳۴ هیرمینافرید به قتل رسید. در این مقطع، تورینگن نقشش را به حیث یک بازیگر مستقل در صحنه سیاسی از دست داد.

تورینگن سپس بخش امپراتوری فرانکی که از جانب شاهان میرونگی اداره میشد، گردید. روند مسیحی سازی که در قرن ۶ آغاز شده بود و تحت سلطه کارولینگ ها بیکه از سال ۷۵۱ حکمرانان نظام سلطنتی فرانکی بودند، سرعت گرفت. جنبش مسیحی سازی اولین اقدامش را با تأسیس اسقف ارفورت که بعداً مربوط شهر ماینز شد، توسط تبلیغ گرمذهبی بنام بونیفاتیوس در سال ۷۴۲ به انجام رسانید.

از قرن نهم بدینسو، امپراتوری آلمان بطور تدریجی از قسمت شرقی امپراتوری فرانکی رشد نمود و تورینگن تحت حکمروایی شاهان اوتونیان-ساکزن (۹۱۹-۱۰۲۴)، به یکی از مهمترین ستون های قدرت مرکزی مبدل شد. و پس از تصاحب دودمان زالایان، روابط نزدیک با شاه از بین رفت. این یک آغاز خیزش دودمان محلی بود که ادارات امور زمینداری (لاندرگریف) تورینگن (۱۱۳۱-۱۲۴۷) را به وجود آورد و در دوره هوهن اشتاوفن (۱۱۳۸-۱۲۵۴)، از اهمیت والایی برخوردار گردید.

دودمان لودوویگی از فرانکونیا سرچشمه گرفته که نامش برگرفته از اسم اولین پسر بلند مقام این گروه میباشد. با رهنمایی لودویگ معروف به ریش دار (لودویگ دیر بارتیگه)، این گروه در سال ۱۰۴۰ در منطقه فریدریچرودا مسکن گزین شد. پسر این دودمان، لودویگ مشهور به پرشگر (لودویگ دیر اشپرنگر ۱۰۸۰-۱۱۲۳)، کسی که موسس کاخ های وارتبورگ، ناینبرگ و صومعه راینهاردسبرون بود، موفق به توسعه حاکمیت و خانه های اشرافی در داخل تورینگن گردید. پسر او، لودویگ هم به نوبه خود، با بدست آوردن جایزادها در ناحیه هیس، حاکمیت لودوویگی را بیشتر گسترش داد.

در سال ۱۱۳۱ لودویگ ۱ (۱۱۳۱-۱۱۴۰) در بدل خدمتگذاری، اداره امور زمینداری نوتاسیس تورینگن را از طرف امپراتور مقدس روم لوتر سوبلینبرگ بدست آورد. لودوویگی ها که مسولیت آرامش و خود استواری را بر دوش داشتند، به قدرتمند ترین فرمانروایان در میان شهزاده گان مبدل گردیدند. لودویگ ۲ (۱۱۴۰-۱۱۷۲)، پس از عروسی با خواهر اندر فریدریک ۱ بنام باربارا روسا، پیوندش را با امپراتور هوهن اشتاوفن دوباره تقویت بخشید. تحت حکمروایی لودویگ ۳ (۱۱۷۲-۱۱۹۰)، سیستم زمینداری نفوذش را با از بین بردن دوک هینری مشهور به شیر (هاینریش دیر لویی ۱۱۸۰-۸۱۱) که از دودمان گویلف بود، بیشتر ساخت.

نقطه اوج با شکوهی در زمان زمامداری هیرمان ۱ (۱۱۹۰-۱۲۱۷)، اتفاق افتاد؛ نام هیرمان در حقیقت با مشاعره های افسانوی وارتبورگ (۷/۱۲۰۶) که به حیث نماد فرهنگ نخبه های جوانمرد و با وقار چون والتر فون دیر فوگلوآیده، ولفگام فون آینشنباخ، هاینغیش فون فیلدکه به شمار می رفت، گره خورده بود.

لودویگ ۵ که ملقب به زاهد بود (۱۲۱۷-۱۲۲۷)، تا امروز به حیث همسر الیزابت مقدس تورینگن معروف است. جانشینی هینری راسپه به عوض لودویگ ها که در ۱۲۴۶ نایب السلطنه شد، برای حاکمیت لودویگی چندان ارزشمند واقع نشد. نه تنها که هینری ناتوان حرکت "ضد رژیم شاهی" علیه فریدریک ۲ ی دودمان هوهن اشتاوفن بود؛ بلکه در اثر مرگش، دودمان لودویگی به دلیل نبود وارث مذکر در سال ۱۲۴۷ از بین رفت. یک جنگ وراثی خونین در سال ۱۲۶۴ با تقسیم اداره امور زمینداری، به دو قسمت هیزی و تورینگی خاتمه یافت. سیستم زمینداری تورنگی به دست فرماندهان نظامی مایسن که از نسل ویتین بودند افتاد.

سرزمین چندپارچه

ویتینی ها تا اواخر قرون وسطی بالای یک قسمت قدرتمند، امروزه تا یک بخش زاکن، تورینگن و زاکن-آنهالت جنوبی، یعنی یک کامپلکس قابل ملاحظه حکمروایی می کردند. در سال ۱۴۲۳ این مناطق به قلمرو دوک زاکنی که در وینتنبورگ متمرکز بود منصوب شد و مبدل به یکی از شوراها گزینشگر حکمرانان امپراتوری مقدس روم گردید. همچنان در تورینگن آنها توانستند ملکیت های خویش را که مشتمل بر آنتنبورگ، کوبورگ، و وایماربود، وسعت بخشند و خود را بعد از جنگ کنت های تورینگنی (۱۳۴۲-۱۳۴۶) به حیث قدرتمندترین نیرو جا دهند. جدا سازی های ارثی همواره منطقه ویتینی ها را تقسیم می نمود، تا زمانیکه بلاخره "تجزیه ی لایبزیگ" ۱۴۸۵ میان برادران ارنست و البرخت منجر به جدایی دایمی به دو قسمت ارنست (تورینگنی) و البرخت (زاکنی) گردید. در نخست، ارنستی ها با داشتن ویتینبرگ، مقام شاه ساز را نیز داشتند. اما پس از جنگ اشمال کالدی و شکست در مقابل قیصر و دوک، موریتس در نبرد مولبرگ ۱۵۴۷ این مقام از دست رفت. این انکاشافات، باعث به وجود آمدن حوزه انتخابیه ی زاکن (بعد از ۱۸۰۶ مسمی به سلطنت زاکن) منحصراً یک قلمرو حکومتی با مرکزیت دریزدن گردید. چیزیکه کاملاً متفاوت از شاهان ارنستی مقیم وایمار بود. با تجزیه ی ایرفورث در ۱۵۷۲، ملکیت ارنستی ها به ده حکومت جدا گانه (ایزناخ، زالفیلد، رویمهیلد) تقسیم شد. بعد از آخرین تغییرات ساختاری در سال ۱۸۲۶ سه تا قلمرو دوک یعنی زاکن-وایمار-ایزناخ (که بعد از ۱۸۱۵ بنام قلمرو بزرگ دوک یاد می شد)، زاکن-کوبورگ و گوتا، زاکن-ماینینگن و زاکن-آنتنبورگ، به وجود آمد.

دوشادوش خانواده ویتین، دو دودمان اشرافی دیگر توانستند خود را به حیث فرمانروایان منطقه مطرح کنند: نخست، اعضای خاندان رایسن تورینگن شرقی که بار اول در قرن ۱۲ در باره آنها صحبت گردید و لقب شان در سال ۱۶۷۳ به عنوان "کنت" از طریق امپراتور روم مقدس تصدیق شد. دوم، آنائیکه لقب

"کنت های شاهی" را در سال ۱۷۷۸ بدست آوردند. گهگاه دودمان رایش سرزمین خود را به چندین ملکیت مانند شلایز، لوپن اشتاین، ایبرسدورف، هیرشبرگ، سالزبورگ، بوورک، دیولاو، و روتنتال تقسیم کردند. آخرین تغییرات دوباره ارضی که در سال ۱۸۴۸ صورت گرفت، منجر به وجود آمدن امیرنشینی بخش رایش بزرگ (گرایس) و امیرنشینی بخش رایش کوچک (گیرا) گردید.

روی کاخ شوارزبورگ اسم اصلی اجدادی "جنگل تورینگن" گذاشته شد و ملکیت هایش تا قرن هشتم مورد دید است. در سال ۱۶۹۷، خانواده شوارزبورگ نیز مقام "کنت های شاهی" را دریافت نمود و در سال ۱۵۹۹ سرزمین شان به گونه فرعی، بین شاخه های شوارزبورگ-زاندس هاوزن و شوارزبورگ-غودولشتاد تقسیم شدند. تقسیم بندی بیشتر صورت نگرفت؛ ولی تنها در قرن هفدهم ارنشتاد و ایبیلیین به وجود آمدند. علاوه بر هینری راسپه، گونتر فون شوارزبورگ منزلت شاهنشاهی را بدست آورد؛ اما این اقدام کوتاه مدت و بدون تاثیر گسترده بود.

بنابراین، تورینگن از طریق سه دودمان مورد تاخت و تاز قرار گرفته بود؛ ولی جاهای لازم دیگر هم باید اضافه شوند که عبارت اند از شهر های سلطنتی مول هاوزن و نارد هاوزن، خطه ایشمال کالدن، ایلیکتوریت (گزینگر) های ماینز (ایرفورت، آبخزفلد) و سرزمین های آلبرتاین میان لانگن سالسا و نوامبورگ و دورادور سوهل، اشلایزنگن و سیانگنروک.

ایرفورت تورینگن قدیم به عنوان کانون فرهنگی و بازرگانی و یکی از بزرگترین مراکز تمدن در قرون وسطایی مشهور بود. این شهر، مثل یک شهر شاهنشاهی از خودمختاری برجسته برخوردار بود و از وسط قرن سیزدهم با اراضی همجواریش مرکز مهم قدرت گردیده بود. بعد از اینکه تحت سلطه حکمفرمای ماینز درآمد، به حیث پایتخت حکمران حوزه انتخابیه ماینز باقی ماند. کنت های قدرتمند دیگر، از کاخ هینبیرگ در جنوب غرب تورینگن سرچشمه گرفتند؛ ولی در سال ۱۵۸۳ از بین رفتند و دارایی شان را ویتینی ها غصب نمودند.

هنگامیکه ایالت های یکپارچه در برابر برنامه مدغم سازی که میان انقلاب فرانسه و کانگرس وینا (۱۷۸۹-۱۸۱۵) صورت گرفت ایستاده گی کردند، قسمت های باقی مانده اراضی (ایرفورت، آبخسفیلد، ناردهاوزن و مول هاوزن) در سال ۱۸۰۲ بدست سلطنت پروس افتید.

پس از شکست پروس در مقابل ناپلئون در جنگ پنا-آویرشتد در اکتوبر سال ۱۸۰۶ و اشغال فرانسه تا ۱۸۱۳/۱۸۱۴، سرانجام تمام دارایی ها به شمول حوزه های انتخابیه زاکزنی به دست پروس سپرده شد. از آن پس، تورینگن با داشتن یک ایالت متحد، و یک قسمت پروس، دارای دو بخش متقابل گردید که هسته اصلی اش را ایجاد حکومت ایرفورت در استان زاکزن تشکیل داد. علاوه بر آن، ناحیه ایشمال کالدن (استان هیسی-ناساو از سال ۱۸۶۶) و بنابر برداشت امروزی، قسمت های اداری میرسی بورگ (سانگرشاوزن، ایکارتسبرگا، کویرفورت، وا فیلس، نوامیرگ و سایتس) هم مربوط تورینگن پروس گردید.

بنیانگذاری امپراتوری آلمان در سال ۱۸۷۱ بالای این چنین وضعیت، تاثیر چشمگیری نداشت. دولت جدید فرال، ۲۲ موناشری، سه شهرهای هانزیاتیک و قسمت ایلساسه-لوراین را باهم متحد ساخت. از آن پس، تقریباً یک بر سه شاهان خود مختار (ورن های مارک) در منطقه تورینگن جمع شده بودند. قدرت هژمونیک پروسی آلمان موقعیت بارزی را در تورینگن به دست آورد: محرک های اقتصادی زیادی از آنجا برخاست؛ دولت پروس، ساخت شبکه خط آهن را روی دست گرفت و سیستم های حقوقی، اداری و تعلیمی را عصری ساخت و تقریباً در هر ایالت مستقل قرارگاه نگهداشت. این امر، با وجود عقب مانده گی نسبی سیاسی، موجب ایجاد اتحاد و حس میهن دوستی پروس میان شهر ها گردید.

تورینگن، سرزمین فرهنگ

اهمیت تاریخی تورینگن، پیش از همه مرهون حوزه فرهنگی این سرزمین است. این حیطة به حیث خاستگاه اصلاح گرایی با پایان نامه های مارتین لوتر افسانوی ویتنبرگ گره خورده است. مارتین لوتر بین ۱۵۰۱-۰۵، از دانشگاه ایرفورت دیدن کرد. دانشگاه ایرفورت نهاد برجسته ی زمان مارتین لوتر به شمار می رفت که در سال ۱۳۷۹ تاسیس گردیده و با این امتیاز، یکی از کهن ترین دانشگاه های آلمان امروزی به شمار می رود. لوتر، پس از نقل مکان به ویتنبرگ در ۱۵۱۱ در صومعه آگوستین آنجا به حیث راهب مشغول بود. فریدریش در وایزه (۱۴۸۶-۱۵۲۵)، عضو شورای انتخاب کننده گان، به حیث حامی لوتر قرار گرفت و او را از ۲۲۱۱۵۲۱ در کاخ وارتبورگ در ساحة امن قرار داد، جایکه مارتین اصلاح گر، نسخه جدید انجیل را به زبان آلمانی ترجمه کرد. خواهرزاده فریدریش، یوهان فریدریش (هان فرید) در سال ۱۵۴۸ "دبیرستان عالی" را به عنوان جاکزین دانشگاه البرتین در ویتنبرگ در شهر بنا نهاد که در سال ۱۵۵۸ به دانشگاه مبدل شد، و بعد ها به دانشگاه ایالتی پروتستانت انکشاف یافت.

فامیل باخ که به طور گسترده منشعب شده بود، همچنان از تورینگن منشا می گیرد. یوهان زیباستیان باخ، در سال ۱۶۸۵ در ایزناخ تولد شد و در اوایل، در شهر های آرنشتاد، مولهاوزن، و وایمار مشغول کار بوده است. از شخصیت های عارف و شهیر دیگر این حیطة چون مایستر ایکهارت و توماس مونتسر نیز میتوان نام برد. از جمله ی رهبران جنگ دهاقین تورینگن در سال ۱۵۲۵ میتوان از لوکاس کراناخ، و هاینریش شویتس تا ارنست هیکل، کارن زیس، ارنست آبه، ارنست بارلاخ، فریدریش نیچه، هنری فان دی فیلدی و یا والتر گروپیوس یاد آوری کرد.

چشم انداز فرهنگی تورینگن به شدت از دوره کلاسیک وایمار، و زمان گویتة شکل گرفته است، عصری که به "زمان طلایی" در زاکن-وایمار-ایزناخ معروف بود. موزن هوف (دادگاه مسوسیز) دوک انا امالیا و تصدی پسرش کارل اوگوست (۱۷۷۵-۱۸۲۸) و تعداد زیادی نخبه ها را به شهر "ایلماتن" کشانده بود. در کنار "ملک الشعرا" گویتة، می توان از کریستوف مارتین ویلاند، یوهان گوتفرد هررد، و فریدریش شیلر نام برد. همزمان با این، دانشگاه پنا نیز ساخته شد، دانشگاهی که شیلر از ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۳ به حیث

پروفسور در آنجا کار کرد، جاییکه مرکز فلسفه آلمانگرا در دوران (فیخته، شیلینگ، هیگل) و رومانتیسم اولیه در عصر (شلیگل، تیک، برنتانو، و نووالیس) گردیده بود.

زاکزن-وایمار بعد ها یک "عصر نقره بی" را در دوره ی دوک بزرگ، کارل الکساندر (۱۸۵۳-۱۹۰۱) در اثر کار های فرانتس لیتس، پالش "آثار کلاسیک" و همچنان "باز سازی قصر وارتبورگ" تجربه کرد. حاکمان سلطنت های کوچک دیگر نیز کوشیدند تا خود را بیشتر نمایه فرهنگی دهند. در شهر گوتا، دوک ارنست، دیر فرومه (۱۶۴۰-۱۶۷۵) کوشید تا یک دولت نمونه ی مطلقه را به میان آورد، در مینینگن "دوک تیاتر" گیورگ دوم (۱۸۶۶-۱۹۱۴) تاریخ تیاتر آلمان را نوشت.

همچنان، انیگیزه های مهم مدرنیسم قرن نوزده، از تورینگین سرچشمه گرفته است. جنبش ملی لیبرال در این سرزمین راه خود را پیدا کرد. قانون اساسی زاکزن-وایمار از سال ۱۸۱۷ از جمله ی نخستین قوانین اساسی زمان خویش به شمار می آید. جشن وارتبورگ ۱۸۱۷، تاسیس برادری آلمان در پنا در سال ۱۸۱۸ و آماده گی تیم ملی در ایزناخ در سال ۱۸۵۹ ثبوت های دیگر برای این ادعا بودند. دوک لیبرال، ارنست ۲ (۱۸۴۴-۱۸۹۳) نیز قابل یاد آوریست. در حالیکه البته حاکمان محافظه کار نیز وجود داشتند، یک تغییر جهت عمومی در آستانه شکل دهی قرن دیگر قابل چشم پوشی نبود.

صنعتی سازی که از نیمه ی قرن نوزده شروع شد، ویژه گی های متنوع و مبتکرانه زیادی داشت. به ویژه دانشگاه شهر پنا خود را به حیث یک نمونه ی از پیشرفت عملی-فنی انکشاف داد (منبع: تسیز و شوت). منحیث یک منطقه ی صنعتی متحرک، تورینگن به زودی مرکز جنبش کارگران نیز گردید که در آن نشست های حزبی سازنده بر گزار می شد: تاسیس سوسیال دموکراسی در ۱۹۶۹ به رهبری اوگوست بیبیل و ویلهلم لیبکنشت در ایزناخ، و در سال ۱۸۷۵ یکبارچگی با انجمن عمومی کارگران آلمان تحت رهبری فردیناند لاسالی در گوتا، و بحث برنامه ۱۸۹۱ ایرفورث که مطابق اسم حزب سوسیال دموکرات آلمان اتخاذ گردید.

راه به طرف دولت آزاد تورینگن

کوشش ها جهت متحد سازی تورینگن به گذشته های دور بر می گردد. این تلاش ها در جریان انقلاب ۴۹۱۸۴۸ به وضاحت بیشتر قابل درک می گردند. در آغاز قرن ۲۰ این صدا ها بلندتر شدند. به ویژه اثر آرتور هومن، سوسیال دموکرات از مینینگن تحت عنوان "بد بختی دولت کوچک" در ۱۹۰۶ بحث داغی را شعله ور ساخت. در فرجام، جنگ جهانی اول ۱۸۱۹۱۴ و پایان نظام های شاهی در انقلاب نومبر ۱۹۱۸ بود که این روند را به جوش آورد. پس از ادغام هردو روئیس (۱۹۱۹)، هفت دولت کوچک در ۱ می ۱۹۲۰ باهم یکجا شدند و دولت آزاد تورینگن را با مرکزیتش در وایمار تشکیل دادند. تنها کوبورگ به بایرن پیوست. در حالیکه مناطق پروسی نیز به این "تورینگین کوچک" نپیوستند.

در حالیکه روند ایالت سازی ۲۰۱۹۱۸، به توافق وسیع سیاسی آهسته به پیش رفت، این پروسه، از نگاه ساختار داخلی متفاوت تر بود. اولین دولت موقت از سوسیال دموکرات ها و چپی های لیبرال (۲۱۱۹۲۰)، که متعهد بر برابری اجتماعی بود، خیلی زود به شکست مواجه شد. یک جنگ داخلی خونین پس از کودتای ۱۹۲۰ میان نیروهای کار گر سوسیال دموکرات و محافظه کاران شهر نشین، گودال های بی شمار بر جا گذاشت. در نتیجه، ستاد های سیاسی در مجلس ایالتی تورینگن به وجود آمد که دلخواه شاخه های بنیاد گرای احزاب سیاسی بودند. حالا، از ۱۹۲۱-۲۳ حکومت سرپرست سوسیال دموکرات تحت رهبری اوگوست فروهلش وابسته به کمونست ها باقی ماند که در پاییز ۱۹۲۳ به حکومت مردمی مقتدر مشترک انجامید. این دولت اوج بحث برانگیز "تورینگن سرخ" را باعث گردید، که به کانون تلاش های اصلاح گرای موسوم به "گریشه شول ریفورم" و فرهنگ مدرن "دانشگاه ساختمانی ویمار" ۱۹۱۹-۲۴ مبدل گردید. در سال های حکومت های محافظه کار در ۱۹۲۴-۱۹۲۹، اکثریت این اصلاحات دوباره عقب گرد داده شدند. حالا دیگر نوبت مردم و نوبت حزب کارگران سوسیالیست ملی آلمان بود که صاحب نفوذ سیاسی در مجلس شوند. بدین وسیله، تورینگن یک قلعه ی امن برای ناسیونال سوسیالیزم شد.

این انکشافات در ۳۱۱۹۳۰، با اشتراک حزب ناسیونال سوسیالیست در حکومت جمهوری وایمار به اوج خود رسید. تحت قیادت وزیر داخله و آموزش کشور، ویلهلم فریک، ناسیونال سوسیالیست ها تجربه های مهمی را برای بدست گرفتن قدرت جمع آوری کردند. در اوگوست ۱۹۳۲ این تجارب حتما منجر به "قدرت گیری پیش از وقت" حزب ناسیونال سوسیالیست تحت رهبری فریتس زاوکل شد که مسولیت مکمل بخش امنیتی حکومت را به عهده گرفت. پس از به قدرت رسیدن هیتلر در ۱۹۳۳ زاوکل موفق شد تا تورینگن را به حیث "ناحیه ی نمونه" رایش سوم نمایش دهد. وایمار به شیوه ناسیونال سوسیالیست پر شکوه مرکز ناحیوی قدرت ساخته شد و در همسایگی با آن، اردوگاه اجباری بوخن والد ۱۹۳۷-۱۹۴۵ بنا نهاده شد که در آن ۵۰۰۰۰ انسان به کام مرگ رفتند. در عین حال، زاوکل قدرت خود را توانست در تمام تورینگن گسترش دهد. در سال ۱۹۴۴ مسولیت های حکومت ایرفورث به وی واگذار گردید.

نخستین بار پس از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ بود که تورینگن به صورت یک ایالت در آورده شد، ایالتی که مناطق پروسی سابق را نیز دربر داشت و تا اندازه ی زیاد شبیه شکل امروزی تورینگن بود. پس از شغال کوتاه از جانب امریکایی ها، طبق توافقات، نیرو های ایتلاف از جولای ۱۹۴۵ به بعد تورینگن متعلق به ساحه ی اشغال شوروی و همچنان پس از ۱۹۴۹ شامل جمهوری آلمان دموکراتیک گردید. بعد از اجرای "تمرکز گرای دموکراتیک" تورینگن باز هم به مناطق ایرفورث، گیرا، و زوول تقسیم بندی شد. ساخت و ساز محکم و بنیادی سوسیالیزم که تنها کوتاه توسط یک شورش مردمی در ۱۷ جون ۱۹۵۳ متوقف شد، در مناطق تورینگن شرقی (ینا، گیرا، و حوزه زموت)، منجر به تغییرات ساختاری در تمام ساحات دولتی، اجتماعی و اقتصادی گردید. پس از اعمار دیواربرلین در ۱۹۶۱، تورینگن به مرکز فن

آوری های بالا در آلمان شرق (کارل تسیز ینا، مایکرو الکترونیک ایرفورث) انکشاف کرد. در اواخر دهه ی هشتاد، غروب سوسیالیزم بیشتر آشکار می گردید.

انقلاب صلح آمیز و اتحاد دوباره آلمان مسئله ی تورینگن را نیز به آخرین راه حل آن رسانید. از سه حوزه اتنبورگ، اشمولن، و آرتن در سال ۱۹۹۰ یک ایالت با ۱۶۱۷۱ کیلومتر مربع مساحت و ۲,۷ میلیون جمعیت بوجود آمد که شامل ایالت های شانزده گانه ی آلمان گردید و شهر ایرفورث را پایتخت خود تعیین کرد. پس از تصویب قانون اساسی ایالتی در ۱۹۹۳، تورینگن همچنان در پیوند با ۱۹۲۰ همان ویژه گی "دولت آزاد تورینگن" خود را حفظ می کند. پس از یک حکومت ایتلافی میان حزب دموکرات مسیحی و حزب دموکرات آزاد (۱۹۹۰-۹۴)، یک حکومت ایتلافی بزرگ میان دموکرات مسیحی ها و سوسیال دموکرات ها (۱۹۹۴-۱۹۹۹)، و همچنان دو حکومت دموکرات مسیحی (۱۹۹۹-۲۰۰۹)، تورینگن از ۲۰۰۹ بدینسو دوباره با یک ایتلاف بزرگ رهبری می شود (نخست وزیران: ۱۹۹۰-۹۲ جوزف دوچاک، ۱۹۹۲-۲۰۰۵ برنهارد فوگل، ۲۰۰۵-۲۰۰۹ دیتر التهاوس، از ۲۰۰۹ به این طرف کریستینی لیبر کنخت).

در حالیکه از دشواری های اقتصادی-اجتماعی در نتیجه تغییرات رادیکال (مانند عدم صنعتی بودن، بیکاری، کاهش نفوس) در امان نیست، تورینگن امروزه در بسیاری عرصه ها در میان ایالت های "جدید" بصورت برجسته پیش تاز است. چشم انداز فرهنگی تورینگن که شهرت جهانی دارد، یکجا با تحرک "قلب سبز آلمان" یک نیروی جذاب توریستی را ساخته است. و باشندده های این ایالت، یک احساس عمیق میهنی با شهرشان دارند. باوجود تنوع و چند پارچگی در تشکیل دولت های گذشته، در تورینگن همواره یک ضمیر ناخود آگاه اتحاد و اتفاق خود را بالاتر از همه قرار می دهد، که بیشتر مسولین امور زمینداری (لاندرگریف) به آن تکیه می کردند. نشان ایالت تورینگن این "اتحاد تنوع" تاریخی را بصورت نمادین تجسم داده است. در این نشان، شیر های تورینگنی با نوارهای سرخ و نقره یی، رنگ آمیزی و در زمین آبی رنگ، با هشت ستاره ی نقره یی احاطه شده اند، ستاره هایی که به یاد آورنده ی دولت های کوچک پروس قدیم می باشند.

نویسنده: اشتیفان راسلوف / Steffen Raßloff

ترجمه: عاقل ظاهرپور / Aqil Zahirpour

Landeszentrale für politische Bildung

THÜRINGEN

Regierungsstraße 73, 99084 Erfurt

www.lzt.thueringen.de

2015